

زمیولوژی روان-جرم‌شناختی «قدری سایبری» توسط نوجوانان؛ سیاست‌گذاری جنایی بایسته

مهدی خاقانی اصفهانی^۱

مهری محمدی^۲

چکیده

«قدری سایبری» به‌مثابه پرخاشگری ناشی از عدم توازن قدرت در روابط مجازی، عدم وابستگی به ارتباط چهره‌به‌چهره را بستر سوءاستفاده قدر از امکان گمنامی در چت با قربانی نموده؛ تهدید، توهین، اخاذی و انتشار اطلاعات خصوصی و جرایم مالی گوناگونی را علیه وی مرتکب می‌شود. دسترس‌پذیری آسان به سیم‌کارت‌های خارجی ناشناس، و سهولت رمزگذاری نشانی پروتکل اینترنتی (IP) نیز اتخاذ تدابیر پیشگیری وضعی از طریق سختی‌افزایی صور قدری سایبری را سخت می‌نماید. این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی، از منظر زمیولوژیک، آسیب‌شناسی اجتماعی قدری سایبری را در دو ساحت، تحلیل می‌کند: نخست از حیث نظری، انحراف‌پژوهی رنجش‌های ناشی از سرکوب‌شدگی روانی نوجوانان که موجب تمایل آنان به جبران ناتوانی قدری فیزیکی از طریق قدری سایبری می‌شود؛ دوم، از جهت کاربردی، نقد سیاست جنایی ایرانی بابت خلأ جرم‌نگاری قدری سایبری و فقدان راهبرد قضایی پاسخ‌گذاری کیفری و تأدیبی بایسته. طبق این فرضیه که آموزه «کنش موقعیت‌مند» در جامعه‌شناسی، متناظر «نظریه فرصت» در جرم‌شناسی است، تدابیری برای پیشگیری وضعی و اجتماعی، به‌همراه پاسخ‌گذاری غیرکیفری، جهت اصلاح سیاست جنایی ایران در مهار قدری سایبری، مورد پیشنهاد در مقاله است.

واژگان کلیدی

زمیولوژی، قدری سایبری، نوجوانان، سیاست جنایی

۱- استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

khaghani@samt.ac.ir

۲- دانشجوی دکترای مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

مقدمه

از یک‌سو، ظهور جنبش زیمولوژیک از اواخر دهه ۱۹۹۰ نقطه‌عطفی است برای پژوهشگرانی که می‌خواهند فراتر از مرزهای هسته جرم‌شناسی جریان غالب حرکت کنند. چراکه در قالب این جنبش، با تکمیل واژگان جدید و ایجاد فضای گفتگو برای بیان تعدد آسیب‌هایی که خارج از گفتمان متعارف جرم، بزهکاری و جرم‌انگاری قرار می‌گیرد و بسترهای ایجاد این آسیب‌ها به دغدغه‌های مرکزی و مشروعی برای پژوهش بدل می‌گردد؛ زیرا رفتارهایی که به صورت معمول مورد توجه حقوق کیفری بوده است، بیشتر رفتارهای ارتكابی از سوی اشخاص حقیقی بوده که در آنها رکن روانی جرم به صورت محسوس قابل تشخیص و تبیین است و قرار دادن موضوع‌های این رفتارها در دایره حقوق کیفری، مستلزم شناسایی ماهیت این رفتارها از وجوه مختلف، به‌ویژه از جنبه جرم‌شناختی است.

از سوی دیگر، فضای مجازی فضایی نوپا بوده و با وجود قدمت کمی که دارد، به‌خوبی جای خود را در زندگی مردم باز کرده و توانسته است به عنصری مهم و حیاتی در زندگی افراد تبدیل شود، به‌طوری‌که بهره‌گیری مشترک از فناوری و استفاده از فضای مجازی منجر به ایجاد جامعه برخطی شده است که مردم در آن به‌سرعت و به‌راحتی در حال برقراری ارتباط با یکدیگر هستند؛ فضاها تحت وبی که اجتماع‌هایی را برای افرادی که به مسائل و علایق دیگران توجه نشان می‌دهند، فراهم کرده و کاربران می‌توانند از طرق مختلف همچون صدا، چت، پیام‌های فوری، ویدئو کنفرانس و غیره با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (Ahmad, 2011, p.124). این فضا که نقش پررنگی در دنیای امروز دارد، کاربران اینترنتی و به‌ویژه نوجوانان را حول محور مشترکی به‌صورت مجازی دور یکدیگر جمع کرده و کاربران می‌توانند اطلاعات و داده‌هایشان را با دیگران به اشتراک بگذارند (سلطانی‌فر؛ بخشی و فرامرزیانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۶). علی‌رغم مزایای استفاده از این ابزارها، دارای خطرهای بالقوه قابل‌توجهی نیز هستند؛ به‌طوری‌که افراد و به‌ویژه نوجوانان از مزیت ناشناس ماندن استفاده کرده و دست به انواع افعال آسیب‌زا از جمله قلدری و خشونت سایبری می‌زنند. از آنجایی که قلدری سایبری، مسئله‌ای در حال‌رشد و

نگران‌کننده است، به خصوص هنگامی که افراد زیر سن قانونی را درگیر می‌کند، در نوجوانان می‌تواند عواقب حقوقی و روانی منفی مختلفی را در پی داشته باشد. براین اساس، در بیان اهمیت و ضرورت بررسی سیاست‌گذاری جنایی بایسته در خصوص زمینولوژی روان-جرم‌شناختی قلدری سایبری نوجوانان می‌توان گفت که، بررسی‌های انجام شده حاکی از این است که از جمعیت حدود هفت میلیاردی جهان، حدود دو میلیارد نفر از اینترنت استفاده می‌کنند و ضریب نفوذ اینترنت در کشور ۱۴,۷ درصد کل جمعیت کشور و در شهر تهران ۳۱,۹ درصد کل جمعیت بوده است. از طرف دیگر فضای مجازی تغییرهای بنیادینی در زندگی و فرهنگ جوامع مختلف ایجاد کرده است؛ به طوری که بر ادبیات افراد جامعه تأثیر گذاشته و زندگی آنان را دستخوش تغییرهای شگرفی کرده است. این فضا روند توسعه را نیز در جوامع مختلف و به‌ویژه در حال گذار به چالش کشیده است (سلطانی‌فر؛ بخشی و فرامرزیانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۴). با این حال، مسئله مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که علی‌رغم تمامی مزایا و معایبی که در کاربرد فضای مجازی مطرح است، باید اذعان داشت که بسیاری از جنبه‌های این فضا، جرم‌خیز و آسیب‌زا هستند. فلذا با توجه به اهمیت این فضا و تمام این موارد، ضرورت این را می‌طلبد تا حقوق کاربران در مقابل قلدران با دیدگاه زمینولوژیکال در این پژوهش بررسی و تبیین شود.

اگرچه در این زمینه پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، اما هیچ‌یک از آنها به صورت مستقیم به موضوع این پژوهش نپرداخته‌اند. با وجود این به تعداد مختصری از آنها در ادامه اشاره می‌شود:

کالمسترا و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «قلدری اینترنتی در نوجوانان اکوادور و اسپانیا: شیوع و تفاوت در جنسیت، تحصیل و پیشینه فرهنگی قومی» که گروه متنوعی از فرهنگ (۳۳۳۰۳ نوجوان) در این مطالعه شرکت کردند (اکوادور = ۱۰۹۱۸؛ اسپانیا = ۲۲۳۸۵)، نشان دادند در اکوادور از هر چهار نوجوان، یک نفر و در اسپانیا از هر پنج نوجوان، یک نفر درگیر قلدری اینترنتی است. در هر دو کشور، نوجوانان در دوره دبیرستان بیشتر درگیر بودند. تفاوت زیادی در جنسیت و نقش درگیری در هر دو کشور

مشاهده شد. در اکوادور، هیچ تفاوتی بین گروه‌های مختلف قومی فرهنگی از نظر نقش دخالت در قلدري اینترنتی مشاهده نشد؛ با این حال، در اسپانیا این اختلاف‌ها وجود داشت. بارلینسکا و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با هدف بررسی اینکه آیا القای همدلی عاطفی (به اشتراک گذاشتن احساسات) و همدلی شناختی (برداشت زهنی) می‌تواند مداخله‌کنندگان برخط نوجوانان را در موارد مزاحمت اینترنتی تحریک کند، نشان دادند فقط فعال‌سازی همدلی شناختی احتمال مداخله در رفتار تماشاگران را افزایش می‌دهد. این در حالی است که القای همدلی عاطفی، تجربه قبلی سوءاستفاده سایبری، مجرم‌سازی سایبری و جنسیت، بر مشارکت در رفتار تماشاچی اجتماعی تأثیرگذار نبوده است.

ابراهیمی بجدنی و بنی سی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «پیش‌بینی قلدري سایبری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، هوش هیجانی و هوش معنوی در نوجوانان»، در یک نمونه ۲۰۰ نفری براساس فرمول پلنت از تاپاکینگ و به‌شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر تهران و پرسشنامه تجربه قلدري قربانی سایبری و سیاهه پنج‌عاملی شده شخصیت با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، نشان دادند بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی با قلدري سایبری رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد واریانس قلدري سایبری به‌وسیله ویژگی‌های شخصیتی، هوش هیجانی و هوش معنوی تبیین می‌شود.

بیرامی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «قلدري سنتی و سایبری در نوجوانان دختر مدارس راهنمایی: نقش کیفیت ارتباط معلم‌دانش‌آموز»، میزان بروز رفتار قلدري در یک ماه اخیر را ۶۴/۲ درصد به‌دست آوردند. آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین قلدري و اشکال سنتی و سایبری آن با کیفیت ارتباط معلم‌دانش‌آموز رابطه منفی داشت. برحسب نتیجه آزمون رگرسیون چندگانه، عوامل بیگانگی و ارتباط با معلم ۱۹ درصد تغییرهای قلدري را پیش‌بینی کرد و عامل بیگانگی متغیر پیش‌بین بهتری بود. همچنین، مبتنی بر نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه، قلدري در میان دانش‌آموزان پایه دوم و سوم، نسبت به پایه اول شایع‌تر بود و کیفیت ارتباط آنان با معلمان خویش نیز، منفی‌تر بود. با در نظر گرفتن نتایج تحقیق، توجه مضاعف بر کیفیت ارتباط معلم‌دانش‌آموز برای کاهش رفتار قلدري و

ناسازگاری‌های دانش‌آموزان دختر پیشنهاد می‌شود.

رحمان‌زاده (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن» بعد از ارائه مقدمه‌ای در بخش اول به تعریف مفاهیمی همچون جهانی شدن، ویژگی بارز این پدیده، بحث اطلاع‌رسانی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ارتباط مؤثر، مشارکت و کنش ارتباطی پرداخته است. در بخش دوم نیز سعی شده است تا ارتباط میان شبکه‌های اجتماعی مجازی با پدیده جهانی شدن مطرح و بیان شد.

اسکندرزاده شانجانی (۱۳۸۹) پژوهشی در قالب کتاب و با عنوان «مسائل قضایی هزینه‌نگاری در محیط سایبر» انجام داد، به طوری که در طی فصول متعدد به معرفی جرایم رخ داده در فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته و از حیث ارکان جرم به طور جامع به معرفی آنها می‌پردازد و در بخش‌های دیگری نیز توضیح‌هایی بسیار طولانی راجع به هزینه‌نگاری و ابعاد مختلف آن می‌دهد.

۱- ادبیات پژوهش

۱-۱- قلدری سایبری

قلدری سایبری عملی غیرتهاجمی است که با هدف توهین و آسیب‌رساندن به دیگران انجام می‌شود و افراد یا گروه‌ها از طریق اینترنت یا رسانه‌های اجتماعی دیجیتال به طور مکرر آن را انجام می‌دهند (Handono, 2019; Kowalski, Limber & McCord, 2019). به عبارت دیگر، قلدری سایبری هر نوع تعرض عمدی و مکرر پرخاشگری است که یک فرد یا گروه به صورت برخط در برابر قربانیانی که نمی‌توانند به راحتی از خود دفاع کنند، انجام می‌دهد (Wong, 2011). از این رو، توجه به آن به ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر و به خصوص نوجوانان جامعه، از حیث عاطفی، مسئله‌ای جدی تلقی می‌شود (Burgess-Proctor, 2009). در واقع، قلدری سایبری هر رفتاری است که افراد یا گروه‌هایی از طریق رسانه‌های الکترونیکی یا دیجیتالی انجام می‌دهند و به طور مکرر پیام‌های خصمانه یا تهاجمی را برای ایجاد آسیب یا ناراحتی به دیگران منتقل می‌کنند (Tokunaga, 2010, p.278).

برخی از محققان بر شباهت قلدری سایبری به قلدری سنتی تأکید می‌کنند (Olweus, 2012)؛ درحالی‌که برخی دیگر، لزوم درک متفاوتی از آن را برجسته می‌کنند و کفایت معیارهای معمول خشونت همسالان را به دلیل تفاوت بستر و اشکال قلدری سایبری زیر سؤال می‌برند. داده‌ها ثابت می‌کنند که عکس‌العمل‌های قلدری سایبری، پیچیده‌تر از قلدری سنتی است که دلیل اصلی آن، ویژگی‌های ارتباطات رایانه‌ای است (Pfetsch, 2016).

انواع جرایم آزار و اذیت در فضای مجازی شامل موارد زیر است: ۱- ارسال پست الکترونیکی که محتوای تهدیدکننده دارد یا خلاف خواسته شخص است؛ ۲- سردرگم کردن مخاطب با پست‌های الکترونیک متعدد؛ ۳- تشویق دیگران به انجام دو عمل فوق؛ ۴- ارسال ویروس از طریق پست الکترونیک؛ ۴- پخش شایعه‌ها و استعاره‌های نادرست درباره شخص؛ ۵- نظرهای توهین‌آمیز درباره قربانی در شبکه‌های اجتماعی؛ ۶- جعل هویت شخص برای کسر شأن، انتقام یا ریختن آبروی شخص که با هدف جلب‌نظر منفی دیگران درباره شخص صورت می‌گیرد؛ ۷- آزار و اذیت و احساس عدم راحتی هنگام گفتگوی تصویری؛ ۸- پیام یا نظرها جهت سوءاستفاده شخصی؛ ۹- ارسال تصاویر یا محتوای مستهجن، اهانت‌آمیز یا ترغیب‌کننده به خودآزاری، دگرآزاری یا خودکشی و ۱۰- تولید محتوایی که ضد ارزش‌های جامعه را به ارزش تبدیل می‌کند یا به عبارتی تأثیر مخرب و منفی روی شخص یا افراد جامعه دارد.

۲-۱- زمیولوژی

زمیولوژی را می‌توان ادامه و به‌عبارت‌دیگر، نسخه قرن بیست و یکمی جرم‌شناسی رادیکال دانست و از آنجا که بنیانگذاران آن به مطالعه همه آسیب‌ها و مخاطره‌های اجتماعی که جرم تنها یکی از مصادیق آنهاست باور دارند، بر تغییر عنوان مضیق criminology به عنوان موسع zemiology عقیده داشتند و از آن‌جایی که جرم یک مفهوم محدود و مضیق است، بسیاری از رفتارهای منتهی به آسیب و مخاطره‌های وصف مجرمانه نداشته یا در طبقه‌بندی جرایم مهم جای ندارند. ازاین‌رو، جرم‌شناسی نیز با توجه به عنوان و رسالت خود نمی‌تواند به مطالعه و تدقیق در مخاطره‌ها و آسیب‌های

اجتماعی بپردازد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۳، ص. ۴۲).

اما بر این تعریف چند نقد وارد است؛ اولاً اگرچه زمینولوژی نسخه‌ای از جرم‌شناسی رادیکال است، اما تفاوت عمده در نگرش این دو علم، نسبت به پدیده مجرمانه وجود دارد و نمی‌توان گفت جرم‌شناسی عنوان مضیق و زمینولوژی عنوان موسع است؛ زیرا این دو مفهوم مفروق‌همدیگر هستند، با این توضیح که نسبت به یک پدیده مجرمانه همچون قلدری سایبری، از دیدگاه جرم‌شناسی، ویژگی‌های مجرم، علل و عوامل تشکیل جرم، حالت خطرناک و درنهایت راهکارهای پیشگیرانه را مشاهده می‌نماییم. درحالی‌که از منظر زمینولوژی قلدری سایبری نوجوانان آسیب‌شناسی می‌شود، یعنی بررسی می‌شود قلدری سایبری نوجوانان توانسته چه آثاری بر کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی بگذارد و یا چه تعداد از افراد را تحت‌الشعاع قرار داده که نسبت به این فضا بدبین شوند و یا چه تعداد از کاربران به دلیل عدم حمایت قانونی از تهدیدهای قلدران سایبری از این فضا خارج شده‌اند. دوماً اینکه بین آسیب و جرم رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد؛ به عبارتی، هر جرمی آسیب هست، اما هر آسیبی جرم نیست، اما این موضوع باعث نمی‌شود که ما جرم را یک مفهوم مضیق بدانیم؛ چراکه جرم مفهومی اعتباری است و نه ذاتی و انسان‌ها خود به بعضی از آسیب‌ها عنوان مجرمانه داده‌اند و مجرم رفتار مجرمانه مجازات می‌نماید. درواقع باید گفت؛ زمینولوژی هر پدیده منتهی به آسیب را بررسی می‌کند چون رسالتش و مفهومش آسیب‌شناسی است.

وانگهی تعریف مزبور، جرم‌شناسی آسیب‌ها را بررسی نمی‌کند؛ زیرا رسالت این را ندارد و این جزو نارسایی جرم‌شناسی محسوب نمی‌شود؛ زیرا جرم‌شناسی به بررسی عواملی که در جرم دخالت دارند، می‌پردازد. مسلماً مواردی که ذکر شد تماماً این موضوع را نشان می‌دهد که جرم‌شناسی و زمینولوژی در بررسی پدیده‌های مجرمانه شباهت دارند، اما هر کدام با مؤلفه‌ها و دیدگاه‌های خود، موضوع را بررسی می‌نمایند. در همین راستا، شاید بتوان جامع‌ترین تعریف از زمینولوژی را در بیان مک‌گیل مشاهده کرد که بیان می‌دارد: «زمینولوژی یک دانش در حال ظهور است و تلاش می‌کند از مفاهیم قانونی متعارف جرم، فراتر رفته و توجه به آسیب‌های اجتماعی (مالی، جسمی، اجتماعی

و روان‌شناختی) را که تأثیر به‌سزایی دارند، جلب کند. هر راهکار عملیاتی برای کنترل جرم، باید بر اساس درک درستی از علل تأثیرگذار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و... پایه‌ریزی گردد» (McGil, 2012, p.210).

در این زمینه، هیلارد و توماس در مقاله خود تحت عنوان «فراتر از جرم‌شناسی» بیان می‌کنند: آسیب‌های زیادی در جامعه وجود دارد که قانون‌گذار آن را جرم‌انگاری نکرده است و یا صرفاً به مجازات مرتکبین بسنده نموده و رفتار مجرمانه آسیب‌شناسی نشده‌اند. بررسی جرم با رویکرد آسیب‌شناسی می‌تواند به‌جای مقابله از طریق مجازات و ارباب، مشکلات را از طریق چاره‌جویی، مذاکره، سازش و داوری حل و فصل کرد (Tombs and Hillyard, 2004, p.11). این تعریف از چند جهت قابل استناد است، اولاً اینکه در این تعریف صحبتی از جرم‌شناسی نیست و زیملولوژی را مستقلاً تبیین نموده و دوماً زیملولوژی را علمی می‌داند که از بررسی صرف جرم فراتر رفته و درنهایت تأثیر سایر عوامل را به‌عنوان عاملی دخیل در ورود آسیب مدنظر قرار داده است؛ بنابراین زیملولوژی، آسیب‌شناسی جامع، از پدیدهایی است که به انسان ضرر وارد می‌نماید. موضوع‌هایی که از دیدگاه زیملولوژی در بحث حمایت از حقوق کاربران در فضای سایبری، باید بررسی شوند، این است که بسیاری از تضییع حقوق کاربران به‌طوری پنهانی صورت می‌گیرد که خود کاربر این موضوع را احساس نمی‌کند (عمرانی‌فر، شیداییان و بیرنگ، ۱۴۰۱، ص. ۱۰). همچنین عدم رعایت حقوق کاربر، توسط دیگر کاربران قلدر سایبری، می‌تواند تعداد زیادی از کاربران را دربرگیرد و آسیب جسمی، روحی، اقتصادی و... شدیدی را به آنان وارد نماید.

۳-۱- سیاست جنایی

سیاست جنایی برخلاف بسیاری از دیگر اصطلاح‌ها که مبین مفهوم یک رشته مطالعاتی با موضوع و چارچوب معینی هستند، با یک ابهام ذاتی آمیخته است که حدود و محتوای آن را به‌عنوان یک رشته علمی در هاله‌ای از ابهام قرار داده است، به‌طوری‌که تنوع برداشت‌ها از این اصطلاح حتی در میان اندیشمندان و نویسندگان حقوق‌دان و

جرم‌شناس نیز به چشم می‌خورد، به‌گونه‌ای که عده‌ای تعبیری مضیق از سیاست کیفری دارند و عده‌ای نیز تعبیری موسع. در این باره، حقوق‌دانان آلمانی از جمله فون‌رباخ و کلاینشرد را نخستین کسانی باید به‌شمار آورد که مفهوم سیاست جنایی را به قلمرو حقوق کیفری و علوم جنایی وارد ساختند.

از دیدگاه این حقوق‌دانان موضوع سیاست جنایی مطالعه، تعریف و پیشنهاد ابزارهای مبارزه با بزهکاری به قانون‌گذار و مراجع مختلف دولتی است، ولی این ابزارها و وسایل از نظر ماهیت و نوع باید به‌گونه‌ای باشند که در چارچوب حقوق کیفری بگنجند. در این راستا، دندی یو دو وابر می‌گوید: «سیاست کیفری یک هنر و فن است که موضوع آن کشف روش‌هایی است که مبارزه مؤثر علیه جرم را میسر می‌سازد» (لازرز، ۱۳۸۲، ص ۱۲). این همان مفهوم مضیق سیاست جنایی است که از اوایل سده نوزدهم بر ادبیات حقوق کیفری وارد شد. بر همین اساس آنسلم فون فون‌رباخ در سال ۱۸۰۳ میلادی در کتاب حقوق کیفری خود با کاربرد این اصطلاح سیاست کیفری را مجموعه شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای تعریف می‌کند که دولت با به‌کارگیری آنها با جرم مبارزه می‌کند.

انواع سیاست جنایی عبارتند از: سیاست جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی. سیاست جنایی تقنینی مجموعه‌ای از تدابیر مبارزه با بزهکاری را دربرمی‌گیرد که در قانون متجلی شده است و ضمانت اجرای قانونی دارد. این نوع از سیاست جنایی، ضمن آنکه صلاحیت قانونی دارد؛ معیار و مبانی انواع دیگر آن بوده و بیانگر اصول کلی حاکم بر نظام کیفری یک جامعه می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی، گاه بر عمل منحرفانه یا مجرمانه تکیه دارد و گاهی نیز بر شخصیت مباشر و مرتکب آن عمل مجرمانه یا منحرفانه، تأکید می‌کند. سیاست جنایی تقنینی مبتنی بر شخصیت بزهکار یا منحرف است و با این دیدگاه، قانون، زمانی مبتنی بر سیاست جنایی است که «فردی کردن» ضمانت اجرای کیفری، کنترل اجتماعی را برای مساعد و هموار نمودن راه بازگشت بزهکاران و منحرفان به جامعه، میسر سازد.

سیاست جنایی قضایی به معنای مضیق آن، یعنی سیاست جنایی که در تصمیم‌ها و عملکرد دادگاه‌ها منعکس است. پس از آنکه قانون‌گذار، سیاست جنایی خود را در قالب

قوانین و مقررات پیاده کرد، این قوانین و پیام‌های قانون‌گذار، به صورت‌های متفاوتی درک و پذیرفته می‌شود. قانون به تبیین اصول و مبانی کلی نظام کیفری یک جامعه پرداخته و تفسیر و تطبیق آن را در موارد خاص به قضات محاکم واگذار نموده است. این امر یعنی روح بخشیدن به الفاظ خشک و بی‌روح قوانین و فعلیت بخشیدن به آنها. سیاست جنایی مشارکتی به معنی تعیین میزان مشارکت مؤثر و فعال جامعه مدنی در سیاست جنایی است. به عبارت دیگر در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی ایجاد ابزارها و اهرم‌های تقویتی دیگری به غیر از پلیس یا قوه قضاییه به منظور اعتبار بخشیدن به طرح سیاست جنایی است، که به وسیله قوه مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران با الهام از مبانی فقهی و بدون توجه به مباحث جدید علمی پیرامون این موضوع، ضوابط و مقررات قابل توجهی برای مشارکت جامعه مدنی در این زمینه فراهم نموده است که برجسته‌ترین جنبه آن، به مشارکت بزه‌دیده در فرایند کیفری مربوط می‌شود. ضمن اینکه جامعه مدنی ایران با تکیه بر تکالیف و آموزه‌های دینی و پشتوانه فرهنگ و سنت غنی مشارکتی خود، از قابلیت‌ها و بسترهای مناسبی در این راستا و به ویژه در مورد پیشگیری از بزهکاری برخوردار می‌باشد (عظیم‌زاده اردبیلی و حسابی، ۱۳۹۰، صص. ۱۱۳-۱۳۳).

مؤلفه‌های ورود آسیب به حقوق کاربران، متعدداند. این مؤلفه‌ها شامل گستردگی آسیب، ورود پنهانی آسیب، فاصله طولانی از ایجاد تا ظهور آسیب، عدم اطلاع از قربانی شدن است که هر کدام به صورت جداگانه بحث و تبیین می‌شوند.

۱-۳-۱- گستردگی آسیب

رفتارهای منتهی به آسیب‌ها و مخاطره‌های گسترده اجتماعی عبارتی است برای توضیح و تبیین پاره‌ای از اقدام‌ها که به طرق مختلف اکثراً و غالباً توسط اشخاص حقوقی در سطح اجتماع بر عناصر مختلف زندگی فردی یا اجتماعی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی آثار سوء و گاه جبران‌ناپذیری برجای می‌گذارد (شمس‌ناتری و شهریاری، ۱۳۹۴، ص. ۲۲۷). این نوع رفتار، عنصر گستردگی را در خود جای داده (Treadwell 2012, p.210) به طوری که زمانی که یک کاربر رفتاری قلدرمآبانه را نسبت به دیگر کاربران انجام

می‌دهد، فرد قلدر فقط یک رفتار را از خود نشان می‌دهد، اما کاربران زیادی هستند که ممکن است از این رفتار رنج ببرند.

این گستردگی آسیب خود دلیل اصلی است که زمینولوژی سعی در شناخت و بررسی آن دارد؛ ولی اگر این مورد به حد گسترده نرسد، موضوع در صلاحیت جرم‌شناسی قرار می‌گیرد. زمانی که فردی در فضای سایبری قلدری می‌کند، این موضوع باید از طریق جرم‌شناسی از ابعاد مختلف بررسی شود، اما زمانی که یک کاربر در مقیاس وسیع قلدری می‌کند، این موضوع باید از طریق زمینولوژی آسیب‌شناسی شود.

۱-۳-۲- ورود پنهانی آسیب

ورود پنهانی آسیب، دومین مؤلفه مهم زمینولوژی است؛ به طوری که خود بزهدیده به هیچ‌عنوان از این موضوع آگاه نیست که به وی آسیبی وارد شده است. ناگفته نماند که آسیب، بسیار حساب‌شده و ماهرانه طراحی می‌شود تا بزهدیده به هیچ‌عنوان از این موضوع اطلاع کسب نکند (میرخلیلی، ۱۳۸۷، ص. ۹۹). همچنین در حقوق ایران عناوینی تحت عنوان زورگویی، توهین و تهدید وجود دارد که برای آنها مجازات پیش‌بینی شده است. این موارد، حاکی از این است که امکان ورود آسیب، از سمت وسوی کاربران فضای مجازی وجود دارد. این مسئله باید در دو مقطع بررسی شود. ابتدا عملیات پنهانی که توسط کاربر از دو بُعد کمی و کیفی طراحی شده و سپس تولید و انتشار محتوا برای قلدری. در قسمت عملیات پنهانی، دیدگاه زمینولوژی نمی‌تواند محل بحث باشد؛ زیرا نتیجه و آسیبی وارد نشده است. زمینولوژی زمانی ورود می‌کند که عنصر نتیجه بر روی بزهدیدگان ایجاد شده باشد. درحقیقت زمینولوژی می‌خواهد بررسی نماید از این کم‌فروشی ایجادشده چه صدمه‌هایی به جامعه منتقل شده، درحالی که صدمه‌های وارده بسیار هوشیارانه و مخفیانه ایجاد شده است.

۱-۳-۳- فاصله کوتاه از ایجاد تا ظهور آسیب

مکتب زمینولوژی سعی دارد به آسیب بدون محدودیت زمانی نظاره کند؛ چراکه برای اقدام فوری یا برای بازگشت به محل مورد نظر (در قالب‌های خاصی از آسیب)، اقدام‌هایی که

توسط جرم‌شناسی منتشر می‌شود، ضروری است. این ما را به این نتیجه می‌رساند که زیملوژی و جرم‌شناسی به‌عنوان مطالعاتی هستند که در آن زیملوژی بر مبنای مبدأ و حذف آسیب‌های اجتماعی مختلف که منجر به جرم و جنایت می‌شود، تکیه دارد و جرم‌شناسی راهکارهای پیشگیرانه‌ای برای مقابله با آسیب پیشنهاد می‌دهد (Hulsman, 1986, p.15). در اکثر موارد، ماهیت رفتار، شرایط، اوضاع و احوال وقوع و همچنین شرایط قربانی و نیز متعلق جرم به‌گونه‌ای است که رفتار بلافاصله آثار و نتایج زیان‌بار خود را نشان می‌دهد. شاید همین امر، علتی بوده باشد که این رفتارها و نتایج زیان‌بار حاصل از آن کمتر در نظر گرفته شده باشد؛ زیرا آنقدر سریع رخ می‌دهند و آثار بزه‌دیدگی در آن‌ها نمایان می‌شود که بعضاً حتی کاربران شاید آگاه به ورود آسیب نباشند.

۱-۳-۴- عدم اطلاع از قربانی شدن

بزه‌دیده‌شناسی یکی از شاخه‌های نوین جرم‌شناسی است که کمتر از یک سده پس از تولد جرم‌شناسی و در سال‌های اخیر اعلام وجود نموده است. در بزه‌دیده‌شناسی به‌دلیل غفلتی که سالیان سال در خصوص مجنی‌علیه (بزه‌دیده) مطرح بوده، پژوهش‌ها بر قربانی جرم متمرکز شد تا نقش شخصیت او در تکوین جرم معین شود و این امر تحول عمیقی در علت‌شناسی جنایی بود و بزه‌دیده‌شناسی شکل گرفت و به‌مرحله‌ای رسید که لازم است بزه‌دیده بیش‌ازپیش مورد توجه واقع شود (الستی و حسن‌پور، ۱۳۸۵، ص. ۲۵)، به‌طوری‌که گفته شده است که «رفتارهای آسیب‌محور به‌صورتی ایجاد می‌گردند که ترس و ناامنی در میان اشخاص جامعه به‌وجود نمی‌آورند. علت این امر را می‌توان در همان غیرمحمسوس و غیرلموس بودن آثار این رفتارها و آنی نبودن تأثیر این رفتارها در اکثر موارد، جستجو کرد» (منتظری‌المشیری، ۱۳۸۵، ص. ۴۵). درحالی‌که غیرلموس بودن رفتارهای منتهی به آسیب به‌ویژه درخصوص آسیب‌های فضای مجازی و سایبری، خود یک ویژگی بارز از زیملوژی است؛ فلذا می‌توان گفت ورود آسیب عمدتاً طوری است که قربانیان از آن بی‌خبر هستند و یا بعد از گذشت مدت مدیدی آگاه می‌شوند.

۲- کاربرد زمینولوژی در علت‌شناسی قلدری نوجوانان از منظر بایسته‌های سیاست‌گذاری جنایی

با توجه به توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و ویژگی خاص این دوران، نوجوانان به‌عنوان یکی از مهمترین و درعین‌حال آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه همواره بیش از هر زمان دیگر در معرض انواع بزه‌دیدگی قرار دارند. این امر موجب شده است تا اصل لزوم حمایت کیفری ویژه از اطفال و نوجوان در فضای سایبر مورد تأکید اسناد بین‌المللی قرار گیرد. از جمله مناقشه‌هایی که همواره در کاربست راهبردهای بین‌المللی به‌منظور حمایت از اطفال بزه‌دیده در نظام‌های کیفری مطرح بوده، تعیین قلمرو شمول حمایت کیفری از اطفال است که در کشورهای مختلف از ۱۴ تا ۱۸ سال متغیر است (Marty and Siber 2008, p.155). ماده یک کنوانسیون جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد که ایران نیز بدان ملحق شده است، مقرر می‌دارد: منظور از کودک، فردی است که به سن ۱۸ سال نرسیده است مگر اینکه طبق قوانین قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد.

در نظام حقوقی ایران، مرز کودکی همان سن بلوغ است که سال تمام قمری برای ۹ دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران است. آبی‌نامه میانجیگری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴ در ماده ۲۷، قلمرو حمایت کیفری از اطفال را در امور مالی ۱۸ سال و در امور غیرمالی سن بلوغ تعیین کرده است. از نظر تحولات قانون‌گذاری درباره مفهوم کودک، قانون‌گذار ایران به‌طور کلی به طفل بیشتر از دیدگاه مسئولیت کیفری و قابل تعقیب بودن فرد توجه کرده است (اسدی، ۱۳۸۶، ص. ۱۵). این در حالی است که سیاست جنایی مبتنی بر مکتب زمینولوژی، فهمی متفاوت از مفاهیم بنیادین حقوق کیفری از جمله جرم، مسئولیت کیفری ارائه می‌دهد. در این رویکرد، جرم پیش از آنکه نقض قانون جزا تلقی شود، نقض روابط میان‌فردی و گسستن رابطه انسانی است؛ فلذا مهمترین آموزه‌های سیاست جنایی مبتنی بر مکتب زمینولوژی عبارت‌اند از: میانجی‌گری کیفری، صلح و سازش، نشست‌های گروهی و خانوادگی و حلقه‌های تعیین مجازات. مطابق این رویکرد، مسئله قلدری نوجوانان در فضای سایبر و استثمار جسمی، جنسی

و پورنوگرافی آنان، بی‌توجهی به آنها از جمله موضوع‌هایی است که این مکتب به آن توجه ویژه کرده است (Sherman, 2007, p.23)؛ زیرا مطالعات زیمولوژی با انتقاد از جرم، هستی‌شناسی رفتار مجرمانه را وارد مرحله جدیدی نموده است که در آن مفهوم جرم به‌عنوان محور مطالعات حقوق کیفری دچار تزلزل می‌شود. مهمترین بخش این تحول در تعریف جرم است و برای تعریف آن اراده قانون‌گذار را ملاک و معیار قرار داده است، به‌طوری‌که قبل از آن در تفکر سوسیالیستی ارائه شده بود. جرم از نگاه آنان در واقع تابعی از جبر اقتصادی است که جامعه سرمایه‌داری آن را برای کنترل طبقات فرودست به‌کار می‌گیرد. در این رویکرد جرم در حقیقت محصول توزیع ناعادلانه ثروت و بروز اختلاف طبقاتی است (هینز و وایت، ۱۴۰۱، ص. ۷۳). این رویکرد در زیمولوژی به‌شکلی کامل‌تر دنبال می‌شود؛ زیرا مطالعات زیمولوژی خود را به عامل اقتصادی محدود نکرده و در صدد بررسی عوامل چندگانه مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی برمی‌آید.

از نگاه زیمولوژی رفتارهای مختلف با انگیزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی توسط قدرت و تحت عنوان جرم طبقه‌بندی شده و آثار و لوازم آن معین می‌گردد. پس از آن مطالعات جرم‌شناختی نیز با پیش‌فرض قرار دادن اراده قانون‌گذار تمرکز خود را بر مصادیق جرم و فاعل آن به‌عنوان مجرم قرار می‌دهد (Tombs and Hillyard, 2004, p.16). در نتیجه طبقه‌ای از جامعه که در قدرت قرار دارد، رفتارهایی را که با منافع خود در تضاد است، جرم‌انگاری می‌نماید. اگرچه کتب زیمولوژی معتقد است سپس ورود نظام عدالت کیفری به اختلاف‌ها، بزه‌کاری و آسیب‌های اجتماعی باید نظام‌مند شده و به‌حداقل برسد.

با توجه به آنچه ذکر شد و بیان اهمیت و ویژگی‌های فضای مجازی درمی‌یابیم که هر فضایی که به این اندازه اهمیت یابد و در کانون توجه و مورد استقبال افراد جامعه قرار گیرد، زمینه را برای شکل‌گیری انواع جرایم در آن محیط فراهم می‌کند. از آنجایی‌که هویتی که افراد برای خود در این فضا تعریف می‌کنند، می‌تواند واقعیت نداشته باشد، این فضا به یکی از بهترین محیط‌ها برای سودجویان تبدیل شده است و بستر جرایم متعدد و متفاوتی را به‌وجود آورده است.

درواقع همین مخفی بودن هویت افراد در این محیط، محدود نبودن ارتکاب جرایم به زمان و مکان خاص، ناآگاهی بسیاری از افراد حاضر در این فضا، عدم نیاز به حضور فیزیکی مجرم در صحنه ارتکاب جرم، قابلیت ارتکاب در سراسر مناطق جغرافیایی، ارتکاب جرایم به‌طور خودکار و با سرعت بالا، حمله به تعداد زیادی از قربانیان در آن واحد و درنهایت سخت کردن پیگیری و بررسی قانونی و بسیاری از دیگر ویژگی‌های جرایم برخط، زمینه را برای ارتکاب انواع جرایم و تخلف‌ها در این فضا فراهم می‌کند.

با توجه به جهانی بودن فضای مجازی و نسبی بودن جرم از جامعه‌ای به جامعه دیگر، در این نوع فضاها چه کاربران و چه گردانندگان اصلی آن، ممکن است اقدام‌هایی را انجام دهند که از نظر قوانین برخی ملت‌ها و دولت‌ها خلاف قانون و جرم محسوب شود. به‌همین دلیل، پیچیدگی رو به رشد جرایم مجازی به یک چالش جدی برای اجرای قانون تبدیل شده است. در این جرایم، به‌دلیل عدم وجود قوانین کافی و اینکه بسیاری از کشورها هنوز فاقد یک چارچوب قانونی مناسب برای بازدارندگی و مجازات جرایم و یا تکیه بر قوانین نامناسب و جسته و گریخته هستند، بسیاری از نیروهای پلیس هنوز هم فاقد توانایی برای حضور و کار مؤثر در فضای مجازی می‌باشند.

قلدری سایبری یا مجازی یکی از مهمترین آسیب‌های گسترش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌باشد که به‌دلیل همچون گمنامی یا بی‌مکان بودن این شبکه‌های اجتماعی مجازی، موجب شده تا بسیاری از کاربران اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی به شکل‌های مختلف قربانی قلدری دیگر کاربران شوند. یکی از اصلی‌ترین قربانیان قلدری در جهان کودکان و نوجوانان هستند که با پیشرفت جوامع و جهانی شدن ارتباطات، اعمال قلدری علیه کودکان تغییر شکل داده و به اشکال مختلف بروز پیدا کرده است. قلدری در فضای مجازی یکی از اشکال نوظهور این آسیب اجتماعی است. آنچه که قلدری مجازی را از دیگر انواع خشونت متمایز می‌کند این است که در این نوع از خشونت، آثار فیزیکی قابل مشاهده‌ای وجود ندارد، بلکه باعث شرایط ناپایدار روحی یا عاطفی می‌شود و درنتیجه این نوع از خشونت به‌خاطر تأثیرات روحی و روانی مخربی که بر جای می‌گذارد تفاوتی با خشونت فیزیکی ندارد. درحقیقت وجه تمایز قلدری مجازی

با دیگر انواع قلدری سنتی در سهولت ارتکاب آن است، به طوری که یک فرد می‌تواند به راحتی با جمع‌آوری اطلاعات از فرد یا افرادی دیگر مرتکب این نوع رفتار شده و منجر به تأثیر منفی گسترده‌ای شود؛ فلذا یکی از موضوع‌های مهم در بعد سیاست جرایم رایانه‌ای و سایبری، پیشگیری غیرکیفری از این‌گونه رفتارهاست که باتوجه به نوظهور بودن این نوع جرایم، ضرورت پیشگیری این نوع جرایم دوچندان است. به‌همین دلیل دیدگاه‌ها و رویکردها مختلفی به این مسئله پرداخته‌اند و یکی از آنان مکتب زمیولوژی به صورت کلی است. در نتیجه مطابق این رویکرد جرم‌انگاری تهاجمی و افراطی جای خود را به جرم‌انگاری تدافعی و مبتنی بر حمایت از ارزش‌های بنیادین مانند اصل کرامت ذاتی انسان می‌دهد که نتیجه آن ایجاد سیاست جنایی بایسته و بر پایه کرامت و انسانیت است. این مسئله در واقع ثمره اصلاح نگاه ساختاری به انسان به‌عنوان فاعل/قربانی آسیب است؛ زیرا اساساً بحث در بستر حقوقی برپایه اجتماع استوار بوده و انسان در فردیت خود با چالش و آسیب مواجه نمی‌شود.

طبق مطالب گفته شده می‌توان چنین مطرح کرد که قلدر سایبری را ابتدا باید درمان کرد؛ زیرا فرد بزه‌کار قبل از اینکه مجرم باشد، خود بزه‌دیده و آسیب‌دیده فضای مجازی یا واقعی است که آن را به دیگران انتقال داده است، سپس نسبت به وی جرم‌انگاری کرد.

۳- علت‌شناسی روان-جرم شناختی قلدری سایبری نوجوانان؛ بایسته‌های خوانش زمیولوژیک

مرتکبین قلدری سایبری عموماً افراد عادی هستند که شخصاً ده‌ها بار قلدری را در فضای واقعی و مجازی مرتکب شده‌اند و به قلدری عادی و معمولی هستند که بسیاری از آن‌ها به آسانی پس از ارتکاب جرم، جذب جامعه مدنی شده و به راحتی به زندگی خود ادامه می‌دهند، اما عادی و بهنجار بودن مرتکبین قلدری سایبری این سؤال را مطرح می‌نماید که افراد عادی چگونه می‌توانند مرتکب چنین جرایمی شوند؟ در پاسخ باید گفت: عادی بودن قلدری سایبری این حقیقت را منعکس می‌کند که فرایندهای خاصی لازم است تا چنین جرایمی محقق شوند. این فرایندها را می‌توان با توجه به ساختارهای گوناگون فرهنگی،

اجتماعی، روانی و سازوکارهای انگیزشی بررسی کرد. یکی از مهمترین این ساختارها، ساختار روانی شخصیتی قلدران است؛ چراکه در بسیاری از موارد بر اساس ساختار روانی شخصیت مرتکبین، فرایند چگونگی ارتکاب جرم توسط آن‌ها قابل تبیین است. مطابق یافته‌های جرم‌شناسان، بدیهی است که ساختار روانی مقوله‌ای گسترده است، اما دو مؤلفه نگرش به خود و دیگری (تفکر ما-آن‌ها) و نیز توجیه جرم در این میان از اهمیت بیشتری برخوردار است. این مؤلفه‌ها با سازوکارهای خود موجب می‌شوند که مرتکبین، ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی را بی‌اعتبار و بی‌اثر نمایند و با خنثی نمودن عقلانیت و نیروی وجدان، خود را از کمند قیود اخلاقی و اجتماعی آزاد ساخته و ارتکاب جرم را برای خود ممکن و آسان نمایند؛ زیرا انسان‌ها عموماً تمایل دارند با تبعیت از هنجارها احساس خوبی درباره خودشان داشته باشند و زمانی که می‌خواهند اقدام به نقض هنجار اعم از اجتماعی، اخلاقی، مذهبی و قانونی نمایند، احساس بد و گناهکاری و به‌تعبیری عذاب وجدان دارند. به چنین احساسی «ناهماهنگی شناختاری» گفته می‌شود. یک واکنش طبیعی به ناهماهنگی شناختاری، کاستن احساس سرزنش و گناه از طریق عقلانی جلوه دادن و توجیه رفتار خود است که در واقع، نوعی اغفال و فریب روانی خویش است. این تمایل طبیعی به توجیه خود، یک سازوکار دفاعی حیاتی است که از دیوانه شدن افراد جلوگیری می‌نماید و اگر به‌طور مؤثری عمل کند، سلامت روانی افراد را تضمین می‌کند (Smeulers, 2014, p.238). به‌عبارت‌دیگر افراد برای اینکه بتوانند نیروی وجدان را خنثی نموده و بر بازداری‌های فطری‌شان در مقابل قلدری غلبه نمایند و به‌راحتی چنین جرایمی را مرتکب شوند، به توجیه رفتار خود و سپس باور و اعتقاد به آن توجیه‌ها می‌پردازند (Harrendorf, 2014, p.249) و ممکن است تا حدی به این توجیه معتقد باشند که اقدام‌هایشان را نه‌تنها از لحاظ اخلاقی، موجه (درستی انجام آن)، بلکه آن را یک الزام مسلم اخلاقی بدانند (نادرستی عدم انجام آن) (Waller, 2010, p.29). بر همین اساس قلدران سایبری مجموعه متنوعی از سازوکارهای رهایی از عذاب وجدان و رهایی از استلزام‌های اخلاقی اقدام‌ها را در راستای اغفال و فریب روانی خود به‌کار می‌گیرند که به‌صورت موردی شامل موارد زیر است: ۱- غیرانسان‌انگاری قربانی؛ ۲- مقصرانگاری قربانی؛ ۳- مستحق‌انگاری قربانی؛

۴- معاندانگاری قربانی؛ ۵- دشمن‌انگاری قربانی؛ ۶- توجیه با تمسک به جهان‌بینی عفو و آمرزش؛ ۷- توجیه با تمسک به تعابیر تحریف‌کننده واقعیت.

نتیجه‌گیری

قلدری سایبری نوجوانان، نقض‌های فاحش حقوق کیفری نوین اطفال و نوجوانان هستند که توسط افراد عادی ارتکاب می‌یابند. مطالعه درباره مرتکبین قلدری، شناخت خوبی از عوامل و فرایندهای ارتکاب این جرایم برای دستیابی به موضع‌گیری بهتر با هدف از بین بردن یا کاهش چنین جرایمی ارائه می‌نماید. ارائه تصویری درست و دقیق از اینکه مرتکبین تحت تأثیر چه عوامل و فرایندهایی دست به ارتکاب این جرایم می‌زنند، به معنای توجیه جرایم و بخشودن مرتکبین نیست، بلکه به این معنا است که آگاهی روشن‌تری از قابلیت‌ها و فرایندهای مؤثر در ارتکاب این جرایم به دست آوریم. چراکه این بهترین تدبیر حفاظتی در مقابل جرایم سایبری است.

از جمله فرایندهای مؤثر در ارتکاب این جرایم، فرایندهای روانی است؛ تفکر ما- آن‌ها با دو سازواره قوم‌پرستی و بیگانه‌ستیزی می‌تواند در جهت تقویت اتحاد و همبستگی گروه خودی و تضعیف خودبازداری‌های طبیعی در مقابل ارتکاب جنایت بر بیگانگان غیرخودی عمل نماید. همچنین مرتکبین به منظور غلبه بر ناهماهنگی شناختاری ناشی از تمایل به داشتن احساس خوب درباره خود و احساس بد و گناه حاصل از ارتکاب جرم، سعی می‌کنند رفتار خود را عقلانی و موجه نمایند و براین اساس، خود را به لحاظ روانی فریب دهند. سازوکارهای توجیه ارتکاب جرم که با عنوان سازوکارهای دفاعی سلامت روانی توصیف می‌شوند، راه را برای ارتکاب بیشتر این جرایم باز می‌کنند، به گونه‌ای که رهایی از ارتکاب جرم، دشوار می‌شود تا جایی که به تسلسل تباهی می‌رسد؛ فرایندی که در آن، فرد از یک انسان عادی تبدیل به مرتکبی می‌شود که آمادگی ارتکاب هر جرمی به هر طریق وحشیانه و هولناک را دارد. از سوی دیگر، مجازات نوجوانان قلدر سایبری، روش حمایتی جبرانی محسوب می‌شود که در ماده ۷۴۷ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. مبانی حمایت از

کاربران در فضای مجازی علیه قلدری سایبری دیگر اعضا، در جهت حمایت از قشر کم‌اطلاع در روابط حقوقی در اعصار مختلف به فراخور مقتضیات زمان مورد توجه بوده است. با توجه به مقررات قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) به‌عنوان مبنایی منطقی و معقول که با مصالح اجتماعی نیز سازگارتر است، قابل تحلیل است. براساس مبانی یاد شده، دیگر نیازی به اثبات تقصیر نیست بلکه صرف ایجاد نتیجه ناگوار و زیانبار برای به‌وجود آمدن مسئولیت مدنی کافی است.

البته باید توجه داشت که قانون‌گذار برای اینکه دامنه مسئولیت مرتکب قلدری سایبری را نسبت به اعمال کیفی و غیرکیفری تعیین نماید، مولفه خاصی را مدنظر دارد؛ برای نمونه در رابطه با جرم‌انگاری یک رفتار در حقوق کیفری، قانون‌گذار برای تعیین مجازات به مولفه‌هایی همچون حالت خطرناک، شدت رفتار، نتیجه مجرمانه، میزان قبح رفتار و... توجه می‌کند و بر مبنای این مؤلفه‌ها شدت و حدت مجازات را مشخص می‌نماید. اکنون سؤال اینجا است که وقتی با رویکرد زمینولوژی به موضوع‌ها توجه می‌شود و در واقع آن موضوع زمینولوژی می‌شود، تعیین مجازات به چه شکلی باید باشد؟! در پاسخ به سؤال مطروحه باید اظهار نمود که بعضی از رفتارها توسط جرم‌شناسی قابل بررسی نیستند و باید از درجه زمینولوژی آن رفتار را بررسی نمود. زمینولوژی آسیب‌های گسترده، پنهان نمایان می‌نماید و قربانیان را از وجود آسیب مطلع می‌کنند؛ برای مثال جرایمی که توسط یک کاربر نوجوان در فضای مجازی و یا کلاهبردار اینترنتی به‌عنوان شخص حقیقی صورت گرفته، می‌تواند زمینولوژی شود که رفتارهای مجرمانه وی، چه آسیب‌هایی را بر بدنه اجتماع وارد نموده است؛ بنابراین مسئولیت در رفتارهای منتهی به آسیب باید با تشدید همراه شود. به‌عبارتی دیگر، کاربری که جامعه کاربران فضای مجازی را قربانی رفتارهای خود می‌کند، باید با شدت مجازات روبرو شود.

فهرست منابع

ابراهیمی بجدنی، فریده و بنی سی، پریناز (۱۳۹۹)، پیش‌بینی قلدری سایبری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، هوش هیجانی و هوش معنوی نوجوانان، پیشرفت‌های نوین در

علوم رفتاری، دوره ۵، شماره ۴۷

اسدی، لیلاسادات (۱۳۸۶)، بررسی مفهوم کودک با رویکردی به حوزه کیفری، فصلنامه ندای صادق، شماره ۱۲.

اسکندرزاده شانجانی، امیر (۱۳۸۹)، مسائل قضایی هرزه‌نگاری در محیط سایبر، تهران: معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه.

الستی، ساناز و حسن‌پور، معصومه (۱۳۸۵). بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی، دادرسی، شماره ۵۶.

بیرامی، منصور؛ هاشمی، تورج؛ فتحی آذر، اسکندر و علائی، پروانه (۱۳۹۱)، قلداری سنتی و سایبری در نوجوانان دختر مدارس راهنمایی: نقش کیفیت ارتباط معلم-دانش‌آموز، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، دوره ۸، پیاپی ۲۶، شماره ۲۶

رحمان‌زاده، سیدعلی (۱۳۸۹)، کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، سال اول، شماره ۱.

سلطانی‌فر، محمد؛ بخشی، شیرزاد و فرامرزیانی، سعید (۱۳۹۲)، بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی فیسبوک و توئیتر بر گرایش اعضا به این شبکه‌ها، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۷۶.

شمس‌ناتری، محمدابراهیم و شهریاری، بهمن (۱۳۹۴). ماهیت جرم‌شناختی رفتارهای منتهی به مخاطرات در مکتب نوظهور زمیولوژی، مدیریت مخاطرات محیطی، سال دوم، شماره ۳، صص. ۳۲۵-۳۳۹.

عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و حسابی، ساره (۱۳۹۰)، سیاست جنایی و تطور مفهومی آن، فصلنامه تعالی حقوق، سال چهارم، شماره دوم.

عمرانی‌فر، عدنان؛ شیداییان، مهدی و بیرنگ، یگانه (۱۴۰۱)، زمیولوژی؛ بررسی موردی حقوق مصرف‌کنندگان (چالش‌ها و راهکارها)، فصلنامه آموزه‌های فقه و حقوق جزاء، سال ۱، شماره ۳.

لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، درآمدی بر سیاست جنایی؛ ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.

منتظری‌المشیری، علی (۱۳۸۵)، بررسی جرایم تقلیب در مواد غذایی خوردنی و آشامیدنی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم.

میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۷)، توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری، *مطالعات حقوق خصوصی*، سال ۳۸، شماره ۳.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۳)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران: گنج دانش.

هینز، فیونا و وایت، راب (۱۴۰۱)، جرم و جرم‌شناسی: متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی؛ ترجمه علی سلیمی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- Ahmad, A. (2011), Ashort Description of social networking websites and its uses. *internati onal journal of advanced computer science and applications*, Vol. 2, No. 2.
- Barlińska, J. Szuster, A. & Winiewski, M. (2018), Cyberbullying among adolescent bystanders: Role of affective versus cognitive empathy in increasing prosocial cyberbystander behavior. *Frontiers in psychology*, 9, 799.
- Burgess-Proctor, A., Patchin, J. W. & Hinduja, S. (2009), Cyberbullying and online harassment: Reconceptualizing the victimization of adolescent girls. *Female crime victims: Reality reconsidered*, 153-175.
- Calmaestra, J., Rodríguez-Hidalgo, A. J., Mero-Delgado, O. & Solera, E. (2020), Cyberbullying in Adolescents from Ecuador and Spain: Prevalence and Differences in Gender, School Year and Ethnic-Cultural Background. *Sustainability*, 12(11), 4597.
- Handono, S. G. Laeheem, K. & Sittichai, R. (2019), Factors related with cyberbullying among the youth of Jakarta, Indonesia. *Children and Youth Services Review*, 99, 235-239.
- Harrendorf, Stefan (2014), "How Can Criminology Contribute to an Explanation of International Crimes", *Journal of International Justice*, 12
- Hulsman L. (1986), *Critical Criminology and the Concept of Crime*, Kluwer Academic Publishers, Germany.
- Kowalski, R. M. Limber, S. P. & McCord, A. (2019), A developmental approach to cyberbullying: Prevalence and protective factors. *Aggression and Violent Behavior*, 45, 20-32.
- Marty, Delmas and Ulrich Siber (2008), "Les Chemins de Harmonisation Penale", *Collection de L UMR de Droit Compare de Pris*, (15).
- McGill C.H. (2012), Zemiology and the dark side of globalization: the case of Naivasha's cut-flower industry, *Neo: A Student Research Journal*, 6.
- Olweus, D. (2012), Cyberbullying: An overrated phenomenon? *European journal of developmental psychology*, 9(5), 520-538.
- Pfetsch, J. (2016), "Chapter 9: who is who in cyberbullying? Conceptual and empirical perspectives on bystanders in cyberbullying» in *A Social-Ecological Approach to*

- Cyberbullying, ed. M. F. Wright (Hauppauge, NY: Nova Publishing), 121-150.
- Sherman, Lawrence (2007), *Restorative Justice: the Evidence*, the Smith Institute, London.
- Smeulers, Alette (2014), "X. Perpetrators of International Crimes: Towards a Typology", Social Science Research Network
- Tokunaga, R. S. (2010), Following you home from school: A critical review and synthesis of research on cyberbullying victimization. *Computers in human behavior*, 26(3), 277-287.
- Tombs S. and Hillyard P. (2004), *Beyond criminology?* in Tombs S., Hillyard P., Gordon D., et al. (eds.) *Beyond criminology: Taking harm seriously*, Pluto Press, London, 10-29
- Treadwell J.(2012), *Criminology: The Essentials*, Sage Publications Limited, London, 6.
- Waller, James (2010), "The ordinariness of extraordinary evil: the making of-perpetrators of collective violence", *collective violence and international criminal justice, An interdisciplinary approach* Edited by Alette Smeulers (pp19-37), Antwerp – Oxford – Portland.
- Wong-Lo, M., Bullock, L. M. & Gable, R. A. (2011), Cyber bullying: Practices to face digital aggression. *Emotional and Behavioural Difficulties*, 16(3), 317-325.